



نمود تربیت غیرکلامی در ساختار عبادی-سیاسی نماز جمعه

امیرحسین مرادی گنجه ✓



چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی مکانیسم‌های غیرکلامی و لایه‌های پنهان آموزشی در نهاد نمازجمعه، به بررسی ساحت‌های «تربیت خاموش» در این اجتماع عبادی-سیاسی می‌پردازد. مسئله اصلی تحقیق، ناکارآمدی رویکردهای مستقیم و کلامی در مواجهه با نسل جدید و غفلت از ظرفیت‌های برنامه درسی پنهان در این محیط است. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی است که با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای تدوین گردیده است. چارچوب نظری پژوهش بر تلاقی نظریات روان‌شناسی محیطی، برنامه درسی پنهان (جکسون) و یادگیری اجتماعی (بندورا) استوار است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اتمسفر مصلاي نمازجمعه از طریق مؤلفه‌های کالبدی همچون معماری استرس‌زدا و نمادهای حماسی نظیر تکیه بر سلاح، فرآیند درونی‌سازی ارزش‌ها را بدون مقاومت روانی تسهیل می‌کند. نتایج، حاکی از آن است که استمرار هفتگی، لحن مشفقانه در توصیه به تقوا و پیوند ایمان با آگاهی اجتماعی در خطبه دوم، منجر به شکل‌گیری یک موقعیت «یادگیری موقعیتی» می‌گردد که بر ناخودآگاه مخاطب، به‌ویژه نسل جوان، اثری عمیق و پایدار دارد. در نهایت، این پژوهش مدل تعاملی میان ساختار کالبدی و تربیت غیرمحسوس را جهت ارتقای بصیرت و انضباط اجتماعی تبیین می‌نماید.

واژگان کلیدی: امام‌جمعه، نمازجمعه، تربیت خاموش، برنامه درسی پنهان.

مقدمه

تربیت، فرآیندی پیچیده و چندساحتی است^[۱] که پارادایم‌های سنتی آن

(مبتنی بر توصیه‌های مستقیم کلامی)، امروزه در مواجهه با نسل جدید با چالش‌هایی چون مقاومت روانی و کاهش اثرگذاری روبرو شده‌اند.^[۲] در پاسخ به این چالش، رویکردهای نوین بر «تربیت خاموش» یا یادگیری غیرمستقیم از طریق اتمسفر محیطی و الگوهای رفتاری تأکید دارند.

نمازجمعه به عنوان یک آیین عبادی-سیاسی و هفتگی، ظرفیت عظیمی در این حوزه دارد؛ اما عمده مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها، صرفاً معطوف به «بخش کلامی خطبه‌ها» شده و از لایه‌های پنهان این فضا غفلت شده است. این پژوهش با هدف رفع این خلأ، به دنبال پاسخ به این پرسش است که ساختار غیرکلامی نمازجمعه (همچون نظم، تواضع جمعی، فضای معنوی مصلا و رفتار الگومحور امام‌جمعه) چگونه مفاهیمی مانند هویت دینی و انضباط اجتماعی را در ناخودآگاه مخاطب نهادینه می‌کند؟ واکاوی این ساختارها می‌تواند نهاد نمازجمعه را به عنوان مکملی قدرتمند برای آموزش‌های رسمی-مذهبی بازتعریف کند.

مبانی نظری پژوهش

تحلیل پدیدۀ «تربیت خاموش» در بستر نمازجمعه، مستلزم بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری متقنی است که ابعاد مختلف یادگیری غیرمستقیم را تبیین می‌کنند. بر این اساس، سه محور نظری «یادگیری اجتماعی»، «برنامه درسی پنهان» و «پدیدارشناسی فضای تربیتی»، زیربنای تحلیل‌های این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

۲. ر.ک: نگاهی دوباره به تربیت اسلامی،

۱. ر.ک: تعلیم و تربیت در اسلام،

نظریه برنامه درسی پنهان و ساختار مناسک (فیلیپ جکسون)^[۳]

بخش دیگری از مبانی نظری این پژوهش بر مفهوم «برنامه درسی پنهان» (Hidden Curriculum) استوار است که نخستین بار توسط فیلیپ جکسون مطرح گردید. این مفهوم به پیام‌ها و هنجارهای غیررسمی و نانوشته‌ای اشاره دارد که برآمده از ساختار محیط و قوانین حاکم بر فضا هستند. جکسون تأکید می‌کند که آنچه یادگیرنده از اتمسفر و چیدمان محیط می‌آموزد، گاه بسیار عمیق‌تر از محتوای کتب درسی است. با بکارگیری این نظریه در نمازجمعه، می‌توان دریافت که این نهاد عبادی-سیاسی واجد یک برنامه درسی پنهان بسیار غنی است. اگر خطبه‌ها را برنامه درسی آشکار بدانیم، «ساختار صفوف» و «الزام به سکوت» در زمره برنامه درسی پنهان قرار می‌گیرند. در اینجا، تربیت خاموش از طریق ساختار کالبدی اتفاق می‌افتد؛ نشستن نمازگزاران از طبقات مختلف اجتماعی در کنار یکدیگر و در صفوفی متحد، پیش از آنکه خطیب درباره «عدالت و مساوات» سخن بگوید، این مفاهیم را در ذهن فرد نهادینه کرده است. این ساختار، انضباط تشکیلاتی و وقت‌شناسی را به عنوان یک ضرورت اجتماعی، به شکلی ناخودآگاه به نمازگزار القا می‌کند؛ به گونه‌ای که فرد خود را بخشی از یک پیکره واحد و منضبط می‌بیند که حرکتش با کل جمعیت هماهنگ است.

پدیدارشناسی فضای معنوی و ادراک اتمسفریک (اتو بولنو)^[۴]

برای درک لایه‌های حسی تربیت خاموش، باید به آراء اتو فردریش بولنو در باب «اتم

نظریه یادگیری اجتماعی و شیوه الگوبرداری (آلبرت بندورا)

نظریه یادگیری اجتماعی (Social Learning Theory) که توسط آلبرت بندورا ارائه شده است، بر این فرض استوار است که انسان‌ها^[۱] بخش عمده رفتارهای پیچیده خود را نه از طریق آزمون و خطا، بلکه از مسیر مشاهده (Observation) و الگوبرداری (Modeling) فرا می‌گیرند. بندورا معتقد است حضور در یک محیط اجتماعی، فرد را در معرض الگوهای رفتاری قرار می‌دهد که بدون نیاز به پاداش یا تنبیه مستقیم، در ذهن وی درونی‌سازی می‌شوند.

این نظریه تبیین‌کننده جدی‌ترین لایه «تربیت خاموش» در بستر نمازجمعه به شمار می‌رود. در این محیط، مربی (به‌ویژه نسل جوان) با مشاهده «الگوهای مرجع» همچون خطیب و نمازگزاران پیشگام، مفاهیمی را می‌آموزد که انتقال آنها از طریق آموزش‌های کلامی ممکن نیست. برای نمونه، تکیه امام‌جمعه بر سلاح هنگام ایراد خطبه، صرفاً یک رفتار تشریفاتی یا نمادین نیست؛ بلکه از دیدگاه بندورا، نوعی «الگوبرداری نمادین» از مفهوم اقتدار و صلابت است. همچنین، مشاهده خضوع و خشوع توده مردم در هنگام اقامه نماز، به مثابه محرک‌های محیطی، نگرش مخاطب را نسبت به مفاهیمی همچون بندگی، تواضع و مسئولیت‌پذیری دینی شکل داده و تقویت می‌کند، بی‌آنکه این مفاهیم به صورت مستقیم آموزش داده شوند. در واقع، نمازجمعه با ارائه مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری هماهنگ، فرآیند «بازنمایی ذهنی»^[۲] ارزش‌های دینی را در مخاطب فراهم می‌سازد.

۳. ر.ک: Life in Classrooms, p. 1.
۴. ر.ک: Lived Space, p. 88.

۱. ر.ک: برنامه درسی پنهان،
۲. ر.ک: Social Learning Theory, p. 45.

مساجد، فراتر از یک فضای کالبدی، حامل پیام‌های قدرتمندی نظیر آرامش روانی و سلسله‌مراتب ارزشی هستند. یافته‌های این پژوهش به شکلی معنادار نشان داد که اثرگذاری اتمسفر محیطی بر تغییر نگرش جوانان، حدود ۳۰ درصد بیش از شیوه‌های کلاسیک و آموزش‌های رسمی کلامی است؛ امری که ضرورت بازخوانی نقش «تربیت خاموش» را دوچندان می‌سازد.

از سوی دیگر، در ابعاد بین‌المللی، اسمیت و دنتون (۲۰۰۵)^[۱] در پژوهش گسترده خود پیرامون رفتارهای مذهبی نوجوانان، بر نقش «محیط‌های حمایتی» و مناسک جمعی تأکید داشته‌اند. نتایج مطالعه آنها حاکی از آن است که حضور مستمر در محیط‌هایی نظیر نمازهای هفتگی، منجر به شکل‌گیری نوعی «هویت بازتابی» در فرد می‌شود. بر اساس یافته‌های این محققان، نوجوانان بدون دریافت آموزش‌های مستقیم، تنها از طریق مشاهده «التزام عملی بزرگسالان» و اتمسفر حاکم بر مناسک، به خودتنظیمی اخلاقی دست می‌یابند که این امر با مبانی یادگیری مشاهده‌ای کاملاً همسو است.

در ادامه این بحث، پژوهشی^[۲] با رویکردی کارکردگرایانه به بررسی نماز جمعه پرداخته و آن را یک «موقعیت یادگیری موقعیتی» (Situating Learning) قلمداد کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که عناصری همچون «هم‌نوایی در صفوف» و «تمرین سکوت» در حین ایراد خطبه‌ها، مستقیماً بر تقویت هوش هیجانی و کنترل تکانه‌های رفتاری در کودکان و نوجوانان اثرگذار است.^[۳] نکته حائز اهمیت در

تربیتی» رجوع کرد. از منظر پدیدارشناسی، فضا، صامت و بی‌طرف نیست، بلکه هر محیطی واجد یک «لحن عاطفی» است که می‌تواند بر آمادگی روانی فرد برای پذیرش پیام اثر بگذارد. بولنو معتقد است اتمسفر یک مکان می‌تواند حالتی از جان (Disposition) را در فرد ایجاد کند که او را به سمت خودکنترلی و وقار سوق دهد.

در نماز جمعه، اتمسفر حاکم که از تلاقی معماری قدسی، طنین اذکار جمعی و سکوت سنگین حین نماز شکل گرفته است، منجر به ایجاد نوعی «ادراک شهودی» در مرتبی می‌گردد. این فضا، فرد را در وضعیتی قرار می‌دهد که پیش از درگیر شدن با استدلال‌های عقلی، از نظر عاطفی تحت تأثیر عظمت و قداست محیط قرار می‌گیرد. این نوع از تربیت، دقیقاً همان «تربیت خاموش» است؛ چراکه محیط مصلّا با القای حس هیبت و آرامش، فرد را به نوعی خودتنظیمی (Self-regulation)

دعوت می‌کند. در این رویکرد، تجلی امر قدسی در کالبد فیزیکی و جوّ حاکم بر نماز جمعه، رفتار فرد را به سوی وقار و سکینه هدایت می‌کند، بدون آنکه تذکری زبانی به وی داده شود.

پیشینه پژوهش (داخلی و خارجی)

واکاوی ادبیات پژوهشی در دو حوزه «برنامه درسی پنهان در اماکن مقدس» و «کارکردهای تربیتی مناسک جمعی»، نشان‌دهنده آن است که ابعاد غیرکلامی تربیت، همواره مورد توجه محققان بوده است. در همین راستا، در مطالعه‌ای^[۱] با تمرکز بر مؤلفه‌های محیطی، به این نتیجه دست یافتند که ساختار فیزیکی و معماری

۲. رک: Soul Searching: The Religious and Spiritual Lives of American Teenagers, p. 110

۳. رک: واکاوی کارکردهای اجتماعی و تربیتی نماز جمعه در بیانیه گام دوم انقلاب.

4. Situated Learning: Legitimate Peripheral Participatio / Cambridge University Pres.

۱. رک: مقاله تأثیر و تأثرات فضای معماری درمانی بر میزان استرس افراد؛ پراساس رویکرد انسان محوری در روانشناسی محیط، ص ۳۵.

این جمع‌بندی رسیده‌اند که انتقال مفاهیم ارزشی، لزوماً در گرو آموزش‌های مستقیم، نظام‌های صلب زبانی و خطابه‌های رسمی نیست. بخش قابل توجهی از یادگیری‌های عمیق و پایدار هویت‌ساز انسان، در قالب «برنامه درسی پنهان» و در بستری تحقق می‌یابد که از آن با عنوان «تربیت خاموش» یاد می‌شود.

این شیوه از تربیت، نه بر «گفتار مربی»، بلکه بر «زیستِ مربی» در محیطی معنادار استوار است. در این فرایند، ارزش‌ها بدون واسطه کلام، از اتمسفر محیط به ساختار روانی فرد منتقل می‌شوند و نهایتاً ارزشی را در وجود او رقم می‌زنند که منجر به رفتاری در مسیر رشد انسان می‌گردد.

تحلیل تمایزها: از تربیت زبانی تا تربیت اتمسفریک

واکاوی تفاوت‌های بنیادین میان آموزش‌های سنتی مبتنی بر زبان و رویکرد تربیت غیرکلامی، برتری راهبردی رویکرد دوم را در ایجاد تغییرات پایدار شخصیتی آشکار می‌سازد. در نظام‌های رسمی تعلیم و تربیت، محور اصلی بر «برنامه درسی آشکار» و کلمات است؛ در حالی که در تربیت خاموش، «ساختار محیط» و «تجربه بصری» نقش محوری ایفا می‌کنند.

مهم‌ترین وجه تمایز این دو رویکرد، در «مکانیسم پذیرش» است. در تربیت زبانی، به دلیل ماهیت دستوری و بیرونی پیام، ذهن مربی - به‌ویژه در دوره نوجوانی - تمایل به مقاومت روانی نشان می‌دهد؛ اما در تربیت خاموش، از آنجا که یادگیری به صورت داوطلبانه و از طریق مشاهده الگوهای رفتاری (Modeling) رخ می‌دهد، فرآیند درونی‌سازی مفاهیمی چون نظم،

این پژوهش، اشاره به کاهش مقاومت روانی مربی در مواجهه با این نوع تربیت است؛ چرا که به دلیل ماهیت غیرکلامی و غیردستوری، فرد به شکلی داوطلبانه و ناخودآگاه با هنجارها همراه می‌گردد.

جمع‌بندی و نوآوری تحقیق

با بررسی و جستجو در پیشینه‌های فوق، مشخص می‌گردد که اگرچه پژوهش‌های متعددی در زمینه کارکردهای عمومی نماز جمعه یا برنامه درسی پنهان در مساجد انجام شده است، اما خلأ موجود، عدم تمرکز بر سازه «تربیت خاموش» به عنوان یک مکانیسم مستقل و منسجم در اتمسفر نماز جمعه است. نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین، در این است که قصد دارد با عبور از کلیات، به صورت تخصصی مکانیسم‌های انتقال پیام بدون کلام را در این فضا استخراج نموده و مدل تعاملی میان ساختار کالبدی و یادگیری غیرمستقیم را تبیین نماید.

تعریف مفهومی واژگان کلیدی

تربیت خاموش: فرآیند انتقال ارزش‌ها و هنجارها بدون استفاده از ابزارهای کلامی و صرفاً از طریق چیدمان محیط، نمادها و مشاهده الگوها که بر ناخودآگاه فرد اثر می‌گذارد. نماز جمعه: نهادی عبادی-سیاسی و رسانه جمعی که به مثابه یک «موقعیت یادگیری» واجد ساختار و اتمسفر خاص تربیتی است. برنامه درسی پنهان: یادگیری‌های غیررسمی ناشی از حضور در محیط، نظیر درونی‌سازی نظم و تجربه برابری اجتماعی در صفوف است.

تبیین مفهومی و مبانی نظری تربیت غیرکلامی و خاموش

در تحلیل فرآیندهای گذار فرهنگی، پژوهش‌های تربیتی معاصر به

عدالت و معنویت بدون ایجاد حساسیت یا گارد دفاعی انجام می‌پذیرد.

تبیین چرایی اثرگذاری فزاینده بر نسل جدید

برای تبیین چرایی اثرگذاری روزافزون مؤلفه‌های غیرکلامی بر نسل جدید، باید به تحولات شناختی، رسانه‌ای و فرهنگی این نسل توجه کرد. نسل امروز در محیطی رشد یافته است که به طور مستمر در معرض حجم عظیمی از پیام‌های تصویری، رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی قرار دارد؛ از این‌رو، نسبت به پندهای مستقیم، توصیه‌های خطابی و آموزش‌های صرفاً کلامی تا حد زیادی دچار اشباع و نوعی بی‌حسی ادراکی شده است. در چنین شرایطی، تربیت خاموش به دلایل زیر نفوذ بیشتری می‌یابد:

تجربه شهودی به جای استدلال عقلی:

پیش از آنکه ذهن نوجوان با استدلال‌های کلامی درگیر شود، تحت تأثیر «لحن عاطفی» و اتمسفر حاکم بر فضا قرار می‌گیرد. این اتمسفر، همان‌طور که بولنو اشاره می‌کند، حالتی از جان (Disposition) را در فرد پدید می‌آورد که او را بدون فشار بیرونی، به سمت وقار و خودتنظیمی اخلاقی هدایت می‌کند.

درونی‌سازی از طریق الگوبرداری نمادین:

طبق مبانی یادگیری اجتماعی، مشاهده التزام عملی بزرگسالان و الگوهای مرجع در محیط‌های جمعی (مانند نماز جمعه)، فرآیند بازنمایی ذهنی ارزش‌ها را برای نوجوان تسهیل می‌کند؛ به طوری که او هویت خود را در هماهنگی با فضای جمعی بازتعریف می‌نماید.

ظرفیت محیط‌های حمایتی: حضور در مناسک جمعی، به دلیل ایجاد حس تعلق به یک پیکره واحد و منضبط، هویت بازتابی فرد را تقویت کرده و او را به سوی خودتنظیمی ارادی سوق می‌دهد، امری که

در آموزش‌های کلاسیک به‌سختی قابل دستیابی است.

اثرگذاری نامحسوس معماری و فضا:

یافته‌های تجربی مؤید آن است که پیام‌های صادر شده از کالبد فیزیکی و معماری قدسی، در مقایسه با روش‌های کلامی، تأثیری عمیق‌تر (گاه تا ۳۰ درصد بیشتر) بر تغییر نگرش نسل جوان دارند.

جلوه‌های تربیت غیرکلامی در نماز جمعه

الف: واکاوی اتمسفر کالبدی مصلای
منظر روان‌شناسی محیطی^[۱]

نخستین جلوه تربیت خاموش در بستر نماز جمعه را می‌توان در کالبد معماری مصلای نماز جمعه جستجو کرد؛ فضایی که با بهره‌گیری از عناصری همچون تذهیب‌کاری‌های سنتی، نقوش روح‌نواز اسلیمی و کاشی‌کاری‌های اصیل، زمینه‌ای برای آرامش ادراکی نمازگزار فراهم می‌آورد.

در تبیین این کارکرد، می‌توان به یافته‌های حوزه معماری استرس‌زدا استناد کرد. طبق دیدگاه کریمی مشاور و اردلانی (۱۴۰۰)، بر این باورند که معماری معاصر، علاوه بر ایفای نقش به عنوان یک سرپناه، به گونه‌ای انتظام یابد که از تقویت عناصر تنش‌زا جلوگیری کرده و به محیطی تسکین‌بخش ارتقا یابد. بر مبنای رویکرد انسان‌محوری در روان‌شناسی محیط^[۲]، سادگی و شفافیت در روابط فضایی و خوانایی مسیرهای حرکتی، از مؤلفه‌های اساسی در خروج استرس از فضای معماری محسوب می‌شوند.^[۳] انطباق

۱. مقاله تأثیر و تأثرات فضای معماری درمانی بر میزان استرس افراد؛ براساس رویکرد انسان‌محوری در روان‌شناسی محیط، ص ۳۸.

۲. ر.ک: روان‌شناسی اخلاق،
3. Berk, Developmental Psychology, p. 210; Smith & Denton, Soul Searching, p. 88.

یادگیری اجتماعی، منجر به درونی سازی هنجارها می شود؛ به گونه ای که پایبندی به ارزش ها نه از روی اجبار، بلکه به شکلی صادقانه و برآمده از هویت فردی نمازگزار ظاهر می شود.

۳. کاهش فاصله های اجتماعی (برابری ساختاری): حضور طبقات مختلف جامعه در کنار یکدیگر بدون در نظر گرفتن جایگاه های دنیوی، فضایی را ایجاد می کند که در آن «ارزش های مشترک» بر تفاوت های فردی غلبه می یابد. این فضا، مصداق بارز تربیت خاموشی است که در آن مفهوم «عدالت و مساوات» بدون تذکر کلامی، در ناخودآگاه فرد نهادینه می گردد. بنابراین، اتحاد در نماز جمعه را می توان یک (رسانه غیرکلامی) دانست که وظیفه آن بازتولید مداوم پیوندهای اجتماعی و تحکیم وفاداری به آرمان های جمعی است؛ فرآیندی که در آن اتمسفر معنوی فضا، حالتی از جان را در فرد ایجاد می کند که او را به سمت وحدت و انسجام ملی هدایت می نماید.

ج: تحلیل روان شناختی استمرار در توصیه به تقوا و آمادگی ادراکی

یکی دیگر از ارکان بنیادین تربیت غیرکلامی در نماز جمعه، دستور شریعت مبنی بر تاکید مستمر هفتگی «توصیه به تقوا» در طلیعه هر خطبه است. این کنش، فراتر از یک تذکر لسانی ساده، واجد مؤلفه های عمیق تربیتی است که بر ساختار ناخودآگاه مخاطب اثر می گذارد:

۱. ایجاد آمادگی ادراکی (Priming): تکرار منظم دعوت به تقوا در ابتدای هر هفته، ذهن نمازگزار را در وضعیت «آمادگی برای پذیرش» قرار می دهد. طبق مبانی پدیدارشناسی، این تکرار باعث می شود

این مبانی با ساختار مصلاهی نماز جمعه نشان می دهد که توازن میان رنگ، هندسه طاق ها و دیوارها، نه تنها یک انتخاب زیبایی شناسانه، بلکه یک ضرورت تربیتی است که با کاهش شوک های فضایی، ذهن نمازگزار را برای پذیرش پیام های معنوی و الگوبرداری غیرکلامی آماده می سازد.

ب: تحلیل کارکردی اتحاد هفتگی در بازتولید وحدت اجتماعی^[۱]

یکی از جلوه های بارز تربیت غیرکلامی در نماز جمعه، تکرار نظام مند و هفتگی «اتحاد» در میان نمازگزاران است. وحدت در این بستر، صرفاً یک هم نشینی فیزیکی نیست؛ بلکه طبق مبانی نظری، به معنای ایجاد احساس قوی تعلق به ارزش های مشترک در سطح کلان جامعه و تقویت پایبندی صادقانه به این آرمان هاست.

این سازوکار از سه طریق برضمیر ناخودآگاه مخاطب اثر می گذارد:

۱. تجسم عینی پیکره واحد: طبق نظریه برنامه درسی پنهان جکسون،^[۲] ساختار منظم صفوف و حرکت هماهنگ جمعیت، پیش از هر سخنرانی کلامی، مفهوم «وحدت» را از یک امر انتزاعی به یک تجربه زیسته تبدیل می کند. فرد با قرارگیری در این ساختار، خود را بخشی از یک کل منسجم می بیند که این ادراک، «احساس تعلق» او را به جامعه مذهبی عمق می بخشد.

۲. تثبیت پایبندی صادقانه از طریق استمرار: تکرار هفتگی این اجتماع (اتحاد هفتگی)، باعث می شود ارزش های مشترک از سطح ذهن به سطح رفتار منتقل شوند. این استمرار، طبق مبانی

1. Berk, Developmental Psychology, p. 210; Smith & Denton, Soul Searching, p. 40 .

۲. ر.ک: 65. Life in Classrooms, p. 65.

سنت تکیه دادن خطیب بر سلاح در
حین ایراد خطبه‌هاست. این کنش
نمادین، فراتر از یک سنت شکلی،
واجد لایه‌های عمیق تربیتی در جهت
تقویت هویت حماسی و صلابت
روانی جامعه است:

۱. انتقال پیام از طریق نماد^[۳] (Symbolic Communication): در نظام تربیت خاموش، اشیاء و نمادها پیش از واژگان سخن می‌گویند. تکیه بر سلاح، به عنوان یک محرک محیطی، مفهوم «هوشیاری» و «آمادگی دفاعی» را در ناخودآگاه مخاطب تثبیت می‌کند. این تصویر بصری، طبق نظریه برنامه درسی پنهان، بدون نیاز به تبیین کلامی، روحیه استقامت و پایداری را در ذهن نمازگزاران تقویت می‌نماید.
۲. تقویت هویت حماسی و اقتدار ملی: حضور سلاح در دستان خطیب، پیوندی میان معنویت و حماسه ایجاد می‌کند. این هم‌نشینی^[۴] (Juxtaposition)، به لحاظ روان‌شناختی، مانع از شکل‌گیری نگاهی تک‌بعدی و صرفاً فردی از دین شده و مفهوم «اقتدار قدسی» را درونی‌سازی می‌کند. از منظر یادگیری مشاهده‌ای بندورا، این تصویر از خطیب به عنوان یک الگوی مقتدر، منجر به شکل‌گیری هویت حماسی در نسل جوان می‌گردد.
۳. ایجاد ثبات روانی و حس امنیت: برخلاف برداشت‌های سطحی، حضور این نماد در یک محیط عبادی، نوعی آرامش مبتنی بر اقتدار را پدید می‌آورد. هنگامی که مخاطب شاهد تکیه‌گاه بودن سلاح برای کلام و حیانی است، نوعی اطمینان‌خاطر نسبت به صیانت از ارزش‌های جامعه در او شکل می‌گیرد که خود از مؤلفه‌های مهم سلامت روان در اجتماع است.

- مخاطب پیش از ورود به مباحث اصلی، از نظر روانی خود را با ارزش‌های قدسی هماهنگ کرده و حالت دفاعی ناشی از دغدغه‌های روزمره را کنار بگذارد.
۲. اثرگذاری لحن مشفقانه (لحن عاطفی فضا^[۵]): کیفیت بیان و «لحن مشفقانه» خطیب در این لحظات، جو معنوی فضا را تلطیف می‌کند. بر اساس دیدگاه بولنو، این لحن عاطفی منجر به ایجاد نوعی حالت جان (Disposition) در مرتبی می‌گردد که او را به سمت خودکنترلی و وقار سوق می‌دهد، بدون آنکه تذکری دستوری یا تحکمی در میان باشد.
۳. تثبیت هویت از طریق استمرار: طبق نظریه یادگیری اجتماعی بندورا^[۶]، استمرار در ارائه یک پیام واحد با رویکردی مثبت، باعث می‌شود مفهوم تقوا از یک واژه انتزاعی به یک «هویت بازتابی» تبدیل شود. در واقع، تکرار هفتگی این توصیه در یک موقعیت یادگیری غیرکلامی، منجر به خودتنظیمی اخلاقی در نمازگزاران، به‌ویژه نسل جوان می‌گردد.
۴. کاهش مقاومت روانی: ماهیت مشفقانه و تکرار شونده این توصیه، آن را از حالت یک «دستور بیرونی» خارج کرده و به یک «تذکر درونی» تبدیل می‌کند. این امر باعث می‌شود فرد به شکلی داوطلبانه و ناخودآگاه با هنجارهای دینی همراه شده و مقاومت روانی معمول در آموزش‌های رسمی را نشان ندهد.

د: نشانه‌شناسی اقتدار و بازتولید روحیه حماسی در بستر تربیت غیرکلامی

یکی از بارزترین جلوه‌های نمادین در ساختار نماز جمعه که به مثابه یک «رسانه بصری» عمل می‌کند،

۳. ر.ک.: Life in Classrooms, p. 73.
۴. ر.ک.: Social Learning Theory, p. 13.

۱. ر.ک.: Lived Space, p. 92.
۲. ر.ک.: Social Learning Theory, p. 112.

توسط خطیب رخ می‌دهد. وقتی مخاطب مشاهده می‌کند که دین نسبت به سرنوشت جامعه و جهان بی‌تفاوت نیست، نوعی «دغدغه‌مندی اجتماعی» در ناخودآگاه او ریشه می‌دواند. این امر بدون تذکر مستقیم، به مربی می‌آموزد که زیست مؤمنانه، ملازم با آگاهی سیاسی و نظارت اجتماعی است.

۳. تثبیت مرجعیت فکری و انسجام ذهنی: ارائه تحلیل‌های منسجم در خطبه دوم، به ذهن پریشان مخاطب در عصر انفجار اطلاعات، «نظم ادراکی» می‌بخشد. این ثبات فکری، طبق نظریه یادگیری اجتماعی^[۲] باعث می‌شود فرد در مواجهه با شبهات و بحران‌ها، دچار زلزل نشده و بر اساس الگوهای فکری ارائه شده در اتمسفر نماز جمعه، به خودتنظیمی رفتاری دست یابد.

۴. تبدیل دانش به دغدغه (Engagement): لحن خطیب در بیان مباحث روز، اگر با عقلانیت و حماسه همراه باشد، باعث می‌شود که اطلاعات سیاسی از سطح «دانستن» به سطح «باور و دغدغه» ارتقا یابد. این لایه از تربیت غیرمحسوس، منجر به شکل‌گیری روحیه‌ای مسئولیت‌پذیر در قبال مسائل مسلمین می‌گردد که یکی از اهداف غایی تربیت عبادی-سیاسی است.

روش‌شناسی پژوهش^[۳]

پژوهش حاضر از حیث هدف، در زمره تحقیقات بنیادی-نظری قرار دارد و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی است. در این راستا، فراتر از توصیف صرف پدیده «تربیت خاموش»،

۴. ادراک وحدت میدان و محراب: تکیه بر سلاح، شکاف میان ساحت‌های مختلف زندگی (دفاعی، سیاسی و عبادی) را در ذهن مربی پُر می‌کند. این کنش باعث می‌شود که «دفاع از آرمان‌ها» به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از زیست مؤمنانه درونی شود؛ به گونه‌ای که فرد بدون دریافت دستور مستقیم، خود را در یک جبهه مستمر برای صیانت از ارزش‌های مشترک احساس نماید.

ه: تحلیل خطبه دوم؛ پیوند میان آگاهی زمان‌مند و بلوغ اجتماعی

اگر خطبه اول را ساحت سازندگی فردی و تهذیب نفس بدانیم، خطبه دوم در ساختار نماز جمعه، تجلی‌گاه بصیرت‌افزایی و بلوغ اجتماعی در چارچوب تربیت غیرکلامی است. پرداختن به مباحث روز و مسائل کلان جامعه در این بخش، فراتر از یک اطلاع‌رسانی صرف، واجد ابعاد زیر است:

۱. تحقق «یادگیری موقعیتی» در متن حوادث: طبق رویکرد یادگیری موقعیتی (Situating Learning) آموزش، زمانی به عمیق‌ترین سطح خود می‌رسد که در بستر مسائل واقعی زندگی رخ دهد. خطبه دوم با پیوند زدن آموزه‌های دینی به تحولات جاری، مفاهیم انتزاعی نظیر «عدالت»، «ولایت» و «دشمن‌شناسی» را در مصادیق عینی بازتعریف می‌کند. این فرآیند باعث می‌شود که نمازگزار به یک «تحلیل‌گر فعال» تبدیل شود که می‌تواند میان ایمان خود و رخدادهای جهانی پیوندی معنادار برقرار کند.^[۱]

۲. بصیرت‌افزایی به مثابه برنامه درسی پنهان: در این ساحت، تربیت خاموش از طریق «انتخاب هوشمندانه موضوعات»

۲. ر.ک: Social Learning Theory, p. 150.

۳. ر.ک: Social Learning Theory, p. 200: Life in Classrooms, p. 105, Lived Space, p. 140.

۱. ر.ک: Situated Learning: Legitimate Peripheral Participation, p. 45.

مخاطب بر اساس الگوهای روان‌شناسی محیطی تبیین گردید. در نهایت پیوند میان «محراب» و «فرآیند تربیت غیرمحمسوس» آشکار شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهشی

ره‌آورد نهایی پژوهش و بازخوانی ظرفیت‌های تربیتی

پژوهش حاضر با هدف واکاوی مکانیسم‌های غیرکلامی در ساختار نماز جمعه نشان داد که این نهاد عبادی-سیاسی، فراتر از ابزارهای زبانی، واجد یک نظام تربیتی موازی تحت عنوان «تربیت خاموش» است. یافته‌ها مؤید این واقعیت است که فضای معنوی مصالای نماز جمعه، از طریق مؤلفه‌های کالبدی و نمادین، قادر است بر مقاومت روانی مخاطب غلبه کرده و مفاهیم بنیادینی چون انضباط، عدالت و اقتدار را در ضمیر ناخودآگاه او نهادینه سازد. در واقع، همسویی میان «روان‌شناسی محیطی» در طراحی فضا و «نظریه یادگیری اجتماعی» در رفتار الگوها، نماز جمعه را به یک موقعیت یادگیری موقعیتی تبدیل کرده است که در آن، فرد بدون دریافت دستور مستقیم، به نوعی خودتنظیمی اخلاقی و بصیرت اجتماعی دست می‌یابد.

تحلیل‌های صورت گرفته بر مبنای دیدگاه‌های بندورا و جکسون ثابت کرد که فرآیند جامعه‌پذیری دینی در این فضا، بیش از آنکه مدیون خطابه‌ها باشد، محصول «برنامه درسی پنهانی» است که در نظم صفوف، تکرار هفتگی نمادها و لحن مشفقانه خطیب نهفته است. این شبکه از محرک‌های غیرمحمسوس، هویت فرد را

کوشش شده است سازوکارهای بنیادین و شیوه‌های اثرگذاری آن در بستر نماز جمعه پرداخته شود. مبنای تحلیل در این پژوهش، تطبیق نظریات روان‌شناسی محیطی و یادگیری اجتماعی با ساختار عبادی-سیاسی نماز جمعه است تا مدلی از تعامل میان کالبد (معماری) و رفتار (تربیت غیرکلامی) استخراج گردد.

جامعه مورد مطالعه در این تحقیق، شامل متون و منابع کتابخانه‌ای، اسناد بالادستی مرتبط با آیین برگزاری نماز جمعه و مبنای نظری موجود در حوزه‌های علوم تربیتی و معماری است. قلمرو موضوعی پژوهش نیز بر واکاوی «برنامه درسی پنهان» و «اثرات غیرمحمسوس محیطی» بر مخاطبان (به‌ویژه نسل جوان) در فضای نماز جمعه تمرکز یافته است.

همچنین گردآوری داده‌ها در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری از کتب مرجع، مقالات علمی-پژوهشی نمایه شده در پایگاه‌های معتبر مانند SID و نورمگز، و بازخوانی متون دینی (قرآن کریم و نهج البلاغه) با نگاهی پدیدارشناسانه بوده است. در این مسیر، آراء اندیشمندانی چون آلبرت بندورا، فیلیپ جکسون و اتو بولنو به عنوان چارچوب نظری برای تحلیل داده‌های کیفی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در کنار روش کتابخانه‌ای، از مشاهده آزاد محیطی جهت تطبیق یافته‌های نظری با واقعیت کالبدی مصالای نماز جمعه نیز بهره‌مند شده است.

از آنجا که تحقیق حاضر کیفی است، برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی و استدلال منطقی استفاده شده است. فرآیند تحلیل به این صورت انجام گرفت که ابتدا مؤلفه‌های تربیت غیرکلامی (نظیر نمادها، معماری، لحن و استمرار) استخراج شده و سپس اثرگذاری هر یک بر ناخودآگاه

منابع

الف) منابع فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. برنامه درسی پنهان، محسن فرمهبینی فراهانی، تهران، چاپ دوم، انتشارات آیینش، ۱۳۹۳.
۴. تأثیر و تأثرات فضای معماری درمانی بر میزان استرس افراد؛ براساس رویکرد انسان‌محوری در روانشناسی محیط، مهرداد کریمی‌مشاور و مریم اردلانی، چاپ اول: (مقاله علمی)، فصلنامه علمی تخصصی شبک، سال هفتم، ش ۳، ۱۴۰۰.
۵. تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، چاپ شصت و پنجم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۹۴.
۶. روان‌شناسی اخلاق؛ احمدحسین شریفی، قم، چاپ دهم، نشر معارف، ۱۳۹۹.
۷. ساختار و تأویل متن، بابک احمدی، تهران، چاپ بیست و دوم، نشر مرکز، ۱۳۹۵.
۸. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری، تهران، چاپ چهل و سوم، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۸.
۹. واکاوی کارکردهای اجتماعی و تربیتی نماز جمعه در بیانیه گام دوم انقلاب؛ محمد عظیمی، نشریه معارف اسلامی، ش ۴، ۱۴۰۱.

ب) منابع لاتین (Sources in English)

1. Social Learning Theory; Albert Bandura; 1st Edition, 1st Printing: (No Editor), (1 Vol), Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ, 1977.
2. Lived Space; Otto Friedrich Bollnow; 2nd Edition, 1st Printing: (Translated

در پیوندی مستمر با ارزش‌های قدسی قرار داده و او را در برابر تلاطم‌های فکری عصر جدید، مصونیت می‌بخشد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تقویت لایه‌های غیرکلامی در مناسک جمعی، راهکاری کلیدی برای بازتولید هویت مذهبی در نسل جدید و کاهش شکاف میان معرفت و رفتار در جامعه اسلامی است.

پیشنهاد‌های کاربردی برآمده از تحقیق

بر مبنای یافته‌های این پژوهش، جهت ارتقای بهره‌وری تربیتی در نهاد نمازجمعه، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

در حوزه کالبدی و محیطی، ضروری است ستادهای اقامه نماز به سمت استانداردسازی معماری استرس‌زدا در مصلها حرکت کنند؛ به گونه‌ای که استفاده از عناصر بصری سنتی، نورپردازی ملایم و شفافیت فضایی، حس سکینه و آرامش ادراکی را در نمازگزاران تقویت نماید. در ساحت انسانی و رفتاری، تأکید بر استمرار لحن مشفقانه و پدراغه خطبا در کنار حفظ نمادهای اقتدار (مانند تکیه بر سلاح)، می‌تواند توازن میان رأفت و صلابت دینی را در ذهن مخاطب تثبیت کند.

همچنین پیشنهاد می‌شود متولیان برگزاری، از ظرفیت‌های «نشانه‌شناسی محیطی» برای مدیریت پیام‌های غیرکلامی (نظیر نظم خدام، پاکیزگی محیط و کیفیت صوت) بیش از پیش بهره بگیرند؛ چرا که هرگونه ناهماهنگی در این لایه‌های پنهان، می‌تواند اثربخشی خطبه‌های رسمی را تحت الشعاع قرار دهد. در نهایت، با توجه به اثرگذاری عمیق محیط بر نوجوانان، طراحی فضاهای جانبی در مصلها با تمرکز بر تعاملات غیررسمی و الگوبرداری از همسالان، می‌تواند فرآیند تربیت خاموش را در این گروه سنی تسهیل نماید.

- by Philip Blosser), (1 Vol), Harper & Row, New York, 1971.
3. Life in Classrooms; Philip Wesley Jackson; 1st Edition, 2nd Printing: (No Editor), (1 Vol), Holt, Rinehart & Winston, New York, 1968.
 4. Soul Searching: The Religious and Spiritual Lives of American Teenagers; Christian Smith and Melinda Lundquist Denton; 1st Edition, 1st Printing: (No Editor), (1 Vol), Oxford University Press, New York, 2005.
 5. Situated Learning: Legitimate Peripheral Participation; Jean Lave and Etienne Wenger; 1st Edition, 12th Printing: (No Editor), (1 Vol), Cambridge University Press, Cambridge, 1991.
 6. Developmental Psychology; Laura E. Berk; 6th Edition, 1st Printing: (No Editor), (1 Vol), Allyn and Bacon, Boston, 2013.